



گفت‌وگوی «وطن امروز» با حجت‌الاسلام ناصر رفیعی درباره شیوه تبیین حضرت زینب(س) پس از حادثه عاشورا

# راوی مظلومیت و حماسه

امکانات حضور یابند چقدر هزینه دارد؛ آب‌شان، غذای‌شان، اسکان‌شان و ماشین‌شان. مجموعه نیازها را برآورد کرده بود؛ یک رقم عجیبی که مطابق بودجه یک سال یک کشور می‌شود هزینه این جمعیت چند میلیون است که در یک کشور جنگ‌زده و در یک کشور ضعیف بدون ساختارهای لازم حضور پیدا کنند. این نویسنده در پایان می‌گوید این جز با معجزه نمی‌تواند اتفاق بیفتد.

چهارمین ویژگی حضرت زینب(س) در زمان بحران شجاعت و قاطعیت است؛ این خیلی مهم است. ببینید! یک جا یزید را امیر خطاب نکرد، خلیفه خطاب نکرد، حاکم خطاب نکرد؛ خیلی جرأت می‌خواهد جلوی دشمنی که تمام نیروهای مسلحتش در جلسه هستند، بر گردی بگویی «یا عدو الله»

یک زنی در جلسه دشمن بلند شود و بگوید «باین الطلقاء» خیلی تحقیر است چون جد یزید، اباسفیان را پیامبر آزاد کرد. یعنی تو نوه آن کسی هستی که به دست جد من آزاد شد. این نهایت شجاعت است در مقابل کسی که حالا مغرور روی تخت خلافت نشسته است. یزید ۳۷ یا ۳۸ سالش بوده، یعنی خیلی جوان عیاش و مغروری بوده، کلی آدم دعوت کرده بود تا مانور بدهد و حالا یک زن بلند بشود در جلسه بگوید: «إِنِّي لَأَسْتَضِعُّ قَدْرَكَ، وَ أَسْتَظِلُّمُ تَقْرِيبَكَ»؛ من اصلاً تو را آدم نمی‌دانم که با تو حرف بزنم، من اصلاً خودم را طرف تو نمی‌بینم، تو (به تعبیری که حالا عرفی‌اش را گفتیم) اصلاً لیاقت نداری که من با تو حرف بزنم. خب! اینها کلمات ساده‌ای نیست که در مقابل دشمن و در مقابل هیات حاکمه بیان شود. «فَكَذَّ كَيْدًا» ره غلطی می‌خواهی بکنی و «فَوَاللَّهِ لَا تَمُخُّوْ ذَكْرَتَا» او گفت ره‌ایش کنید، این دختر علی است... این دختر امیرالمومنین است. با این حرف‌ها یک مدیر شجاع می‌تواند از بحران عبور کند. یک مدیر ترسو نمی‌تواند، چرا که خودش هم مرعوب می‌شود و خود را می‌بازد.

پنجمین اصل در مدیریت اصل تسکین و آرامش است. رئیس یک حکومت باید حواش جمع باشد، نباید در مردم وحشت ایجاد کند، نباید به مردم شوک وارد کند. این خیلی مهم است، چرا که ایجاد شوک در بحران خودش مساله‌ساز است. شما ببینید؛ صبح عاشورا، صبح یازدهم می‌آیند حرکت کنند، امام سجاده(ع) نگاهش می‌افتد به این بدن‌ها و انبک می‌ریزد، می‌گوید عمه جان اینها را دفن نمی‌کنند؟ مگر اینها ما را مسلمان نمی‌دانند. فرمود: عزیز برادرم «هالی آراک تجوّد بنفّسک» تو داری قالب تهی می‌کنی! آرام باش اینها درست می‌شوند، اینها حرم می‌شوند، زین‌تگاه می‌شوند، مردم به زیارت می‌آیند. اینجاشا اینطور نمی‌ماند. خب امام سجاده(ع) ولی خداست، امام است، می‌داند بدن امام روی زمین بودن یعنی چه. می‌داند عرش خدا می‌لرزد. این جمله حضرت زینب(س) اما به امام سجاده (ع) آرامش داد. حضرت زینب (س) سنی ندارد، پنجاه و خردهای سن داشت است اما امام سجاده(ع) می‌گوید عمه جانم بعضی شب‌ها نشسته نماز شب می‌خواند. هشتاد و خردهای زن و بچه، ۴۰ روز در مسیر باید اینها مدیریت شوند. این اصل آرامش برگرفته از آیه «لا بذکرالله تطمئن القلوب» است.

اصل ششم اصل عقلایت است. می‌داند که این جور جاها جای احساس نیست. زینب کبری(س) شب عاشورا یک لحظه ندارد، ریخت. وقتی امام حسین(ع) خبر از شهادت خودش داد و فرمود: «یا ذهر أفک من خلیل». حضرت گفت خواهرم آرام باش. قرار نیست شما خودتان را از بین ببرید. من راضی نیستم. باید صبور باشید؛ تمام شد، گفت باشد. دست ولایت روی سینه‌اش قول داد به امام حسین(ع)

و به قولش هم عمل کرد. وقتی در دروازه کوفه گرفتار شد خطبه خواندن مثل آن است که هیچ مصیبتی ندیده، آنقدر زیبا خطبه خواند. این عقلایت یابد بر احساس غلبه کند. بدانید که خردوری و خردمندی خود در مدیریت مهم است.

اصل هفتم ولایتمداری است. زینب کبری یا هفت معصوم زندگی کرده، توفیق حضور در کنار ۷ معصوم از ۱۴ معصوم را داشت؛ رسول خدا، امیرالمؤمنین، حضرت زهرا(س)، امام حسن، امام حسین، امام سجاده و امام باقر. چنین شخصیتی زندگی‌اش با بحران شروع شده است. ۵ ساله بین در دویو قرار گرفت، بزرگتر که شده است با داستان امیرالمؤمنین(ع) مواجه شده است، رفتن به کوفه، جنگ جمل، صفین، آمدن از کوفه، صلح امام حسن(ع) و شهادت ایشان؛ زندگی‌اش با بحران بوده اما همیشه یک چیز در زندگی‌اش اصل بوده و آن هم اینکه تصمیم با امام است، با ولی خداست. لذا با همه علاقه‌ای که به امام حسین(ع) دارد، وقتی آمد گودی قتلگاه اباعبدالله فرمود: «جرعی الی فساد»؛ خواهرم برگرد، بلافاصله برگشت. ما باشیم ممکن است توتانیم همسر و خواهرمان را بگناریم. برگشت رفت به خیمه و تا امام حسین(ع) هم شهید شد ایشان از خیمه بیرون نیامد. عصر عاشورا می‌آید خدمت امام سجاده(ع). عزیز برادرم تصمیم با شمامست. آقا فرمودند: عمه جان «علیکن بالفرار»؛ بگو فرار کنند به بیابان‌ها. حضرت به دستور امام سجاده(ع) دستور فرار داد به بچه‌های اباعبدالله در مجلس دشمن وقتی آن تاجیب امام سجاده(ع) را تهدید به قتل کرد، آمد جلوی امام سجاده(ع) ایستاد، گفت: من حاکم هستم، شرف به غلبه تو ندارم، اگر در کشوری یا این

مسلمان است، اینگونه سخنرانی کند. آیه دیگری حضرت زینب(س) خواند که این آیه را شب عاشورا امام حسین(ع) هم خوانده بود؛ هم خواهر خوانده و هم برادر. «وَلَا يَخْسِبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَمْئَلُنَا لَهُمْ خَيْرٌ لِّمَقْسِمِهِمْ»؛ فکر نکنید خدا به شما ظالم‌ها مهلت می‌دهد دوست‌تان دارد. نه مهلت می‌دهد پیمان‌تان پر شود: «وَلَا تَحْسِبَنَّ الَّذِينَ قَتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزِقُونَ». آیه چهارمی که در مقابل یزید خواند «ضربت علیکم (البته در قرآن علیه‌هاست که این برداشت از قرآن است) الذلّه والمسکنه»؛ یزید خاری و مسکنست شامل شما خواهد شد. پس در یک بحران اگر آدم بخواهد بحران را مدیریت می‌کند. سومین اصل هدفمندی است. اگر آدم بخواهد یک بحرانی را مدیریت کند باید ببیند هدفش چیست. من یک مثال می‌زنم؛ الان مادر کشور خودمان با بحران اقتصادی مواجه هستیم. خب خیلی‌ها می‌گفتند آقا بروید مذاکره کنید، صحبت کنید، کنار بیاید تا مشکلات حل شود. این هم یک حرفی است اما باید دید هدف چیست؟ هدف را هم در انقلاب آنهایی تعیین می‌کنند که هزینه کرده‌اند، یعنی خانواده شهدا و آنهایی که جان دادند و یکی هم آن کسی که بنیان یک انقلاب را می‌گذارد و مردم از او حمایت می‌کنند. بالاخره این انقلاب را امام ایجاد کرده و نمی‌خواهیم، پشیمان شدیم و می‌خواهیم برگردیم. به هر حال تا این ساعت مردم پای نظام و امام ایستاده‌اند.

انقلاب را حضرت امام ایجاد کردند. شهدا برای ما ایجاد کردند. اگر هدف عزت شد باید جنگ را تحمل کرد، سختی و مشکلات را تحمل کرد. زینب کبری و اهل بیت و امام حسین(ع) هدفشان این بود که نظام بماند و با یزید بیعت نکنند، والا امام حسین اگر یک چراغ سبز در روز عاشورا نشان می‌داد کار تمام بود و دیگر او را نمی‌کشند؛ آقا باشند من کاری با شما ندارم، شما حکومت را بکن ما هم می‌رویم مدینه مساله جواب می‌دهیم و تقسیر می‌گوییم. خیلی به او پیشنهاد دادند. از مکه ابن عباس آمد و دیگران هم آمدند اما امام نپذیرفت.

انسان در هدف نباید جلوی پایش را ببیند، بلکه آینده را باید ببیند، چراکه آیندگان قضاوت می‌کنند. امروز ما می‌فهمیم که امام حسین(ع) چه حماسه‌ای را رقم زد. حضرت زینب(س) هدفش هدف امام حسین(ع) است؛ یعنی تحقیر یزید. شما نگاه کنید؛ وقتی وارد مجلس دشمن می‌شود، می‌گوید: «ما رأیت الا جمیلاً» یعنی کربلا برای ما زیباست، ما هیچ ناراحت نیستم از این اتفاقی که افتاده. خب اگر کسی برایش شهادت و جان دادن زیباست، اسارت زیباست، نمی‌شود تهدیدش کرد. این ویژگی سوم بود. وقتی بحران زینب کبری سلام‌الله‌علیها است که هدفمند بود. وقتی انسان هدفمند باشد، به آن هدفش برسد پیروز است. ■ ممکن است کسی ناظر به این اصل بیان کند امام حسین(ع) و حضرت زینب(س) به هدفشان که غلبه بر یزید بود نرسیدند و شهادت و اسارت شد نتیجه حرکت‌شان. منظور تان دقیقاً از رسیدن به هدف در حرکت امام حسین(ع) و حضرت زینب(س) چیست؟

هدف، حتماً این نیست که آدم به حکومت برسد. یکی از نویسندگان غربی مقاله‌ای نوشته و برآورد کرده که یک جمعیتی مثل جمعیت طرف در اربعین حسینی اگر در کشوری یا این



بشود که آیتش را هم خواندند. حضرت زینب(س) در گودی قتلگاه گفت: «لهم تقبل منا هذا القربان»، خدا یا تو قبول کن. من گله نمی‌کنم، شکوه نمی‌کنم. یک عبادتی بوده به نام شهادت، چیزی هم بالاتر از شهادت نیست پس «لهم تقبل منا هذا القربان».

شب یازدهم یک شب سخت و بحرانی است. بچه‌های شهید در بیابان حیرانند؛ زن‌های شهید سراغ همسر می‌گیرند. یکی داغ جوان دیده، یکی داغ ۶ ماهه دیده، خیمه‌های نیم‌سوخته، امام سجاده (ع) دچار بیماری. امام سجاده (ع) می‌گوید: «وَأَمَّا عَتَمِي لَمْ تَزَلْ قَلَمَةً نَسْتَعِيبُ الی رَهْمَا». دیدم تا صبح همین طور با خدا حرف می‌زند. این خودش در بحران آرامش می‌آورد.

■ **هر انسان منصفی وقتی وقایع پس از شهادت امام حسین(ع) و اسارت اهل بیت ایشان بویژه حضور حضرت زینب(س) و سایر زنان در کاخ ظلم یزید را می‌خواند، به قدرت روحی و بزرگی این بانوی باکرامت اعتراف می‌کند.** بله! وقتی حضرت زینب(س) وارد مجلس دشمن می‌شود، دشمن، مجلس را به گونه‌ای چیده که اینها را تحقیر کند، زن‌ها جلوی نامحرمان، زن‌های خودشان پشت پرده. بلافاصله زینب کبری(س) می‌گوید «اللهم خذ لنا بحقنا وانقم من ظالمنا»، خدا یا حق ما را از اینها بگیر. ببینید همش بحث خدا است، این یکی از عوامل غلبه بر بحران است. عامل دوم قرآن‌محوری است. خود پیامبر فرمود فتنه در آینده زیاد می‌شود. «كُتِبَ لِلنَّبْلِ الْعَظْمِ»، مثل شب تاریک، حضور شب که می‌آید همه جا را می‌گیرد، یک روزی فتنه‌ها همه جا را می‌گیرد. فرمود وقتی فتنه‌ها به شما رجوع می‌کند «فَعَلَيْكُمْ بِالقرآن»؛ سراغ قرآن بروید. امام سجاده (ع) فرمود اگر همه دنیا بپذیرند اما «کان معی القرآن» یک قرآن با من باشد وحشت نمی‌کنم. امیرالمومنین در خطبه ۱۸ نهج‌البلاغه خیلی زیبا فرموده است: «القرآن نور لا ظنقی»؛ نوری است که خاموش نمی‌شود، این قرآن هدایتی است که گمراهی در آن نیست، این قرآن درمانی است که درد در آن نیست، الان درمان‌هایی که اطبا می‌دهند خودشان می‌گویند و اصلاً روی داروها نوشته که عوارض دارد ولی حضرت امیر می‌فرماید قرآن دارویی است که عوارض ندارد: «القرآن دواء لا داء فی»؛ دارویی است که عوارض ندارد. پس پناه به قرآن در بحران آدم را آرام می‌کند. به همین جهت هم سر امام حسین(ع) بالای نیره قرآن خواند، در مجلس یزید قرآن خواند. حالا شما ببینید حضرت زینب(س) ۲ خطبه خوانده؛ یک خطبه در شام خوانده و یک خطبه در کوفه و با قرآن آرامش داده به خودش و یزید را کوبیده است. ■ **به نظر شما مهم‌ترین آیه‌ای که حضرت زینب(س) در دوران اسارت در این ایات را خواند؟** «لَمَّا كَانَتْ عاقِبَةُ الدِّينِ أَسْأَلُوا التَّوْبَةَ» آن کذبو بایات‌الله» یزید عاقبت تو این می‌شود که قرآن را هم تکذیب می‌کنی و عاقبت تو به انکار و شرک بازمی‌گردد. خیلی جرأت می‌خواهد زنی مقابل هیات حاکمه‌ای که ادعا می‌کند

**اشکان صدیق:** بسیاری از علما و پژوهشگران در رابطه با قیام عاشورا و حماسه حسینی معتقدند اگر اقدامات حضرت زینب کبری سلام‌الله‌علیها پس از شهادت حضرت ابا عبدالله‌الحسین علیه‌السلام نبود، چه بسا قیام عاشورا و شهادت سیدالشهدا و یاران وفادارش به نتیجه مطلوبی که امروز شاهد آن هستیم منتهی نمی‌شد؛ نتیجه‌ای که قرن‌ها پس از شهادت پسر پیامبر خدا(ص) کماکان عامل اصلی بسیاری از حرکات‌ها و قیام‌های ضدظلم است به طوری که مصلحان اجتماعی به نام نامی سیدالشهدا مردم را به ییاداری و خود آگاهی اجتماعی فرا خوانده و می‌خوانند. به منظور بررسی بیشتر اصول حاکم بر سیره و عملکرد حضرت زینب پس از شهادت سیدالشهدا و یاران وفادارش با حجت‌الاسلام‌المسلمین دکتر ناصر رفیعی گفت‌وگو کردیم. دکتر رفیعی وضعیت پس از شهادت امام حسین(ع) را به مثابه یک بحران دانست و اصول حاکم بر مدیریت حضرت زینب(س) را اصول مدیریت بحران برشمرد.

است، یعنی گرفتاری، یعنی سختی‌های شدید. یکی از آنها راجع به حضرت ایوب است؛ «وَأَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ» ایوب گفت: خدا یا بحران سراغ من آمده است. یک آدم ثروتمند با امکانات و اولاد و بچه و زن و... یک مرتبه همه حیواناتش بمیرند، ثروت از او گرفته شود، همسر و بچه‌هایش مریض شوند، داغ ببیند، خود هم در بستر بیماری بیفتد. یک لحظه ورق ایوب برگشت. یک مرتبه زندگی‌اش زیر و رو شد. این آدم با این بحران اگر کنار نمی‌آمد زمین می‌خورد. ببینید چه گفت؟ گفت: «وَأَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ»؛ خدا یا من دچار بحران شدم و بهم ریختم و «وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ»؛ تو که خدایی‌ات سرچایش هست، ارحم الراحمین هستی، بالاخره در عبور از این موج باید به من کمک کنی. و خدا کمک کرد و ایوب از این بحران رد شد. اصلاً در زمان همه آنبیا ما بحران داشتم. مثلاً حضرت موسی(ع) با بحران

گوساله‌پرستی مواجه شد، حضرت صالح با بحران انکار قومش مواجه شد، حضرت یونس همین‌طور. گفتیم کلمه «ضر» به معنای بحران و گرفتاری است، قرآن می‌فرماید «وَ إِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ الضُّرُّ» وقتی به انسان‌ها بحران و خطر می‌رسد، گرفتاری‌های شدید می‌رسد؛ «عَوَّا رَبِّهِمْ مُبْتَلِينَ إِلَیْهِ» عده‌ای اینطور هستند که خدا را می‌خوانند و به سوی خدا بازگشت می‌کنند و سعی می‌کنند برای خودشان تکیه گاهی فراهم کنند و آیه دیگر از قول ربیول خدا است که فرمود: «إِنْ أَرَادْتُمْ أَنْ تُطِئُوا طَرَفًا لِدَبْرِئِكُمْ فَسَمِعَ آلَهُ»؛ اگر بحران به من روی بیاورد، خطرات من را تهدید کند، هیچ کس نمی‌تواند این خطر را رفع کند جز خدا. «فَهَلْ نُرَى كَاشِفَاتُ ضُرِّه»؛ آیا شما می‌توانید این ضر را از بین ببرید و کشف بحران کنید؟ با این مقدمه، بحث مدیریت بحران

توسط حضرت زینب(س) را مطرح می‌کنم. در حادثه عصر عاشورا زمام کار دست زینب کبری(س) و امام سجاده(ع) است. به دلایلی زینب کبری(س) اینجا نقش بیشتری نشان داده به خاطر بیماری موقت امام سجاده(ع). این ۷ اصلی که می‌گوییم اصول حاکم بر بحران است. اصول غلبه بر بحران است. اصولی است که باعث می‌شود انسان در حوادث خودش را بنبازد. دیگر شما بیش از کربلا و بعد از کربلا بحران ندارید.

یک ختمی داغ بچه دیده، داغ برادر دیده، داغ برادرزاده دیده، اسیر شده، کتک خورده، در مجلس دشمن آمده، سختی کشیده، محالاً جلطور می‌تواند این بحران را مدیریت کند که به عبارت امروزی بر این بحران سوار شود و دشمن از او سوءاستفاده نکند. اصل اول خدامحوری است. این اصل در زندگی انسان‌هایی که دچار بحران می‌شوند باید حاکم

■ **آقای دکتر رفیعی! بسیاری از علما و پژوهشگران در رابطه با قیام عاشورا و حماسه حسینی معتقدند اگر اقدامات حضرت زینب کبری سلام‌الله‌علیها پس از شهادت اباعبدالله‌الحسین علیه‌السلام نبود، چه بسا قیام عاشورا و شهادت سیدالشهدا و یاران وفادارش به نتیجه مطلوبی که امروز شاهد آن هستیم منتهی نمی‌شد. حضرت زینب(س) پس از شهادت سیدالشهدا چه مدیریت و تدبیری اتخاذ کردند که منجر به حفظ و صیانت حرکت امام حسین(ع) شد؟**

یکی از بحث‌هایی که در رابطه با حادثه کربلا بعد از وقوع آن قابل توجه است بحث مدیریت حضرت زینب(س) در صحنه کوفه و شام تا بازگشت به کربلاست. ۴۰ روز بعد از عاشورا سفر اهل‌بیت به کوفه، شام و بازگشت‌شان به کربلا طول کشید. بنا بر آن روایت است که اربعین اول اهل‌بیت به کربلا بازگشتند که به نظر بنده روایت

محکمی است چون هم سید بن طاووس و دیگران نقل کردند و هم بعضی از کتب قدیمی مثل ابوریحان بیرونی که برای قرن چهارم است در کتاب «الانار الباقیه» اش نوشته است ۴۰ روز بعد از شهادت امام سر مقدس اباعبدالله را در محل بدنش در همین جا به خاک سپردند. خب ۴۰ روز مدیریت بحران و مدیریت حماسه بعد از کربلا کار ساده‌ای نیست. به قول مرحوم شیخ جعفر شوشتری، امام حسین(ع) در یک میدان جنگید آن هم میدان کربلا بود اما زینب کبری(س) در ۳ میدان مبارزه کرد؛ یکی میدان کربلا که با په پای برادر بود، یکی میدان کوفه و سوم میدان شام. وقتی می‌گوییم بحران، بحران یعنی شرایط غیر عادی و شرایط غیر قابل پیش‌بینی، حوادثی که پیش می‌آید و اگر کسی نتواند

خوب مدیریت کند، بحران‌زده و خودش هم در آن بحران غرق می‌شود. مثل اینکه مثلا شما فرض کنید در یک شهری زلزله بیاید، حالا فرماندار آن شهر، استاندار و رئیس حکومت خودش را بیازد. یا شما یک تصادفی کنید، وقتی راننده هستی، تصادف کنی عده‌ای را از دست بدهی، خودت هم مجروح باشی، ماشینت هم خراب باشد، اینجا اگر خودت را بایستی یک چیزی به این مصیبت‌ها اضافه می‌شود. لذا بحران یعنی حوادث ناگوار، گرفتاری‌های پشت سر هم و غیر قابل پیش‌بینی که نیاز به مدیریت دقیق دارد و این مدیریت اصولی را می‌خواهد که من ۷ مورد از این اصول را برای شما می‌گویم؛ اصولی که باعث شد زینب کبری(س) بتواند این ۴۰ روز جریان کربلا را مدیریت کند و خودش مرعوب این بحران نشود. من اول ۲-۳ آیه قرآن بخوانم. در قرآن کلمه «ضر» را ما داریم که به معنای بحران

ژئوپلیتیکی که گرفتار خاکش شده تمایل دارد با رفع ایراداتی که بر زنگرور وارد می‌داند (مانند اختلاف بر سر تسلط مسیری که از ارمنستان می‌گذرد)، ایران از مواجب آن بی‌بهره نماند. پاشینیان، نخست‌وزیر ارمنستان به تازگی طرح «چهارراه صلح» را ارائه کرده که در مسیر شمال به جنوب آن ایران حضور دارد اما در مسیر شرق به غرب ارمنستان پل ارتباطی آذربایجان به ترکیه خواهد بود.

می‌توان گفت میل برای افزایش قدرت بر سر رقابت راه‌ها، کشورها را به تکاپوی ارائه چشم‌اندازهای کردپوری مطابق با منافع خود انداخته است. ایران و ترکیه به طور قطع رقابت جدی برای تنوع بخشی در ظرفیت کردپوری خود دارند که گریزناپذیر است اما با توجه به مفضل امنیتی منطقه غرب آسیا و مسیرهای پرخطر، طرح‌های کردپوری متعدد با بازیگری همزمان ۲ کشور اجرایی تر به نظر می‌رسد.

در این میان، ایران با کردپوری که مرز کشورمان با ارمنستان را به طور کامل مسدود کند، به طور قاطع مخالف است. افزون بر این به اعتقاد کارشناسان داخلی، در کنار معضل مرزی، چنین کردپوری مسیری‌های عبوری شرق به غرب از ایران را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد.

بر سر مدل اجرای این کردپور ادامه دارد. در دیدار روز چهارشنبه سران ایران و ترکیه سازوکار گفت‌وگوهای «۲+۲» بستر مناسب برای همکاری سازنده در قفقاز جنوبی ارزیابی شد. پیش از این ترکیه به منظور جلب نظر ایران پیشنهاد عبور مسیر از ایران و اتصال آن به نخجوان را مطرح کرد که هر چند مشخص نیست ترک‌ها چقدر در این راستا جدی هستند اما همه ماجرا به باکو و آنکارا ختم نمی‌شود. همان‌طور که گفته شد، مسکو از زنگرور استقبال می‌کند، ارمنستان هم با توجه به حصار و بن‌بست

رقابت آفرین است و ترکیه و ایران با موقعیت بکر در پهنه غرب آسیا از این قاعده مستثنای نیستند.

ترکیه در نبرد قریباغ دست کمی از یک شریک راهبردی برای دولت علی‌اف نداشت و اکنون می‌خواهد میوه مهم حمایت‌ها را در تهای جایگاه خود در چشم‌انداز کلان تبدیل شدن آناتولی به هاب کردپوری ببیند، لذا تاکید بر اجرایی شدن ابتکار کردپور زنگرور که شرق آسیا و آسیای مرکزی را از طریق آذربایجان و ترکیه به اروپا متصل می‌کند، در همین چشم‌انداز آنکارا مطرح شده است. علاوه بر این، آمادسازنی زنگرور بخش مهمی از رویای اتصال جهان ترک اردوغان را پوشش می‌دهد. با این حال نباید چنین نکته‌ای را نادیده گرفت که زنگرور برابر با یک طراحی تمام ترکی نیست. از اظهار نظر مقامات روسیه به عنوان دیگر بازیگر مهم معادلات قفقاز به نظر می‌رسد چراغ سبز مسکو به طرح زنگرور نشان داده شده است.

## فقاز و جالش زنگرور

شش‌مهور شدن آتش جنگ قریباغ از سال ۲۰۲۰، پای ترکیه و ایران را این بار در پرونده‌ای غیر از مسائل غرب آسیا به میان کشید. موضع ایران در قبال تنش آذربایجان و ارمنستان در ۲ گزاره شفاف بوده که ایران با احترام به تمامیت ارضی کشورهای همسایه، مخالف اشغالگری است و نسبت به آزادسازی سرزمین‌های آذربایجان نگاه مثبتی دارد اما تغییر ژئوپلیتیک منطقه با دستکاری خط مرزی را خط قرمز خود می‌داند، بویژه اینکه چنین نقشه‌ای با فتنه‌انگیزی سرویس موساد و حضور آنها در مرزهای ایران درهم آمیخته باشد.

اما بخش اعظم تقابل ایران و ترکیه در قفقاز به روند کلان نظم کردپوری بازمی‌گردد که در چشم‌انداز آینده ساختار بین‌المللی سنجه مهمی برای قدرت کشورها خواهد بود. تلاش کشورها به منظور بهبود ظرفیت ترانزیتی و کردپوری خود، به طور طبیعی

ادامه از صفحه ۲

در مقابل، ترکیه همچنان عملیات‌های زمینی و هوایی خود علیه گروهک‌های کرد در شمال عراق و سوریه را دنبال می‌کند. همزمانی دور جدید حملات هوایی ترکیه به شمال عراق با رحله موشکی ایران به مواضع موساد در اقلیم کردستان و تفاوت رفتار مقامات عراقی قابل تأمل است که واکنش به ترکیه تقریباً هیچ بود. می‌توان گفت ابتکار دستگاه جدید دیپلماسی ترکیه با عقبه اطلاعاتی – امنیتی توانسته در دوره کوتاه چند ماهه زمامداری، مقامات عراقی را به در نظر گرفتن ملاحظات امنیتی آنکارا با رازینی و جلسات متعدد مجاب کند. این اقدام اقلامی می‌تواند با گسترش دامنه همکاری و پیوستن ایران، به سازوکاری کارآمد تغییر وضعیت دهد تا ترتیبات امنیتی سه‌جانبه‌ای برای مساله مبارزه با تروریسم و ممانعت از تبدیل شدن اقلیم به کانون تهدید کشورهای همسایه عراق فراهم شود.